

مطالعه تغییرات چوب چوگان با استناد بر نگاره ها و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی

فاطمه غلامی هوجقان^۱

سید سعید سیداحمدی زاویه^۲

آذرتاش آذرنوش^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۷/۲۹

چوگان، یک ورزش و بازی باستانی و منسوب به سرزمین ایران است که علیرغم پیشینه ای دیرین، اطلاعات مکتوب اندکی پیرامون قوانین، ابزار، ادوات و پوشاک آن وجود دارد. این مقاله با طرح این پرسش که سیر تحول و تطور چوب چوگان در نگاره های سلجوقی و صفوی و دلایل آن چه بوده، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی از جمله منابع اینترنتی، پیشینه و سابقه پژوهش های مربوط را گردآوری کرده و در مرحله بعد، با جمع آوری متون کهن و نگاره های چوگانی و سپس پالایش مجموعه به لحاظ اعتبار اسناد و داشتن تاریخ، موارد مورد مطالعه را گزینش کرده است. در نهایت، پس از گردآوری داده های حاصل، موارد مشابه و متفاوت را مورد تحلیل قرار داده است. بر اساس یافته های این پژوهش، در بین آثار شعرای سلجوقی و صفوی مورد پژوهش ۴۵۶ مورد چوگان، ۳۰ مورد صولجان (معرب چوگان) و ۳ مورد طباطب (چوگان با پای پیاده) یافت شد و در نگاره های مورد پژوهش، چهار شکل چوب چوگان شبیه «ل»، شبیه «L»، «T» منحنی و «V» (با زاویه باز) به دست آمد. در نهایت چنین به نظر می رسد که در دوره صفوی در مقایسه با دوره سلجوقی به جهت ارتباط با دنیای غرب و پیشرفت علوم و فنون، شاهد تغییر و بهبود کیفیت شکل چوب چوگان در طی زمان بوده ایم. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: چوب چوگان، نگاره های چوگانی و نسخ خطی سلجوقی و صفوی

E-mail: fghol58@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد صنایع دستی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران

^۳ استاد تمام، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چوگان^۱ سنت فرهنگی- ایرانی است که قدمت آن به بیش از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل در ایران می رسد و به عنوان نخستین ورزش تیم به تیم جهان بوده که دارای دروازه و توپ (گوی چوگان) است؛ ورزشی که در آن برعکس ورزش های زمان پیدایش آنها در عهد کهن، نبرد انسان ها علیه یکدیگر نبوده، بلکه نبرد بر سر گوی صورت گرفته است. بر پایه شواهد و مدارک، چوگان کهن ترین بازی ورزشی جهان به شمار می آید. این بازی پر جنب و جوش که سوارکار و اسب در آن نقش برابر دارند، از قدیمی ترین اسناد مکتوب تا ترانه های مردمی و سروده های سخنوران بزرگ ایران زمین، بارها مورد اشاره بوده است. چوگان بازی از چنان جایگاهی در زندگی مردم برخوردار بوده که کمتر هنرمند و سراینده اشعار ایرانی را می توان یافت که در آثارش اشاره ای به گوی و چوگان و اصطلاحات این بازی نکرده باشد. همچنین، برخی کشورها به چوگان ایرانی چشم طمع دارند و طی سال های گذشته بارها کشورهایی از جمله چین، کشور های حاشیه خلیج فارس و قطر مدعی جهانی کردن چوگان به نام خود بوده اند و در اجلاس جهانی یونسکو^۲ که در آذرماه ۱۳۹۲ ه.ش. در باکو برگزار شد، بازی چوگان با نام «چووقان» بازی سنتی با اسب متعلق به منطقه قره باغ^۳ به عنوان میراث ناملموس (معنوی) در معرض خطر، به نام جمهوری آذربایجان ثبت شد. باتوجه به موارد یاد شده، اهمیت انجام پژوهش هایی از این دست می تواند در تبیین سابقه طولانی چوگان در ایران مفید واقع شود. بدین منظور، شاخصه چوب چوگان در دو دوره سلجوقی و صفوی مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، مساله این پژوهش کشف چگونگی تحول ابزار چوگان بازان ایرانی در ادوار سلجوقی و صفوی و نیز آشکارسازی دلایل آن از درون هنر، تاریخ و ادبیات غنی ایران و به ویژه شعراست. بدیهی است که از گذر این بررسی، می توان به مجموعه پژوهش های انجام یافته درباره چوگان غنای بیشتری بخشید و زوایای پنهان را گشود و مفاهیم تازه ای را به دانش امروزی افزود. در ادامه همین شیوه ها، مطالعه و بررسی نسخ خطی می تواند معرف اطلاعات مهمی پیرامون شیوه زندگی و معیشت، پوشاک و ابزار و ادوات آن روزگار باشد که در این مورد موضوع مورد مطالعه معطوف به چوب چوگان می گردد. انجام این پژوهش به عنوان نقطه آغاز مطالعه بازی ملی چوگان در حوزه هنر بوده و مفاهیمی که مبنای کار پژوهش حاضر را تشکیل می دهند از این قرار است:

^۱ Polo = čōwgān

^۲ UNESCO World Committee

^۳ Karabakh

۱. واژه‌شناسی چوگان و نمود آن در کتب ادبی و تاریخی دوران سلجوقی و صفوی؛
۲. نمود چوگان در نگاره‌های سلجوقی و صفوی؛
۳. اجماع داده‌های موجود در منابع مکتوب و آثار هنری جهت رسیدن به نتایج متقن و موثق و ارائه آن در مجامع بین‌المللی.

در یک نگاه کلی می‌توان پژوهش‌های انجام شده در مورد چوگان را در سه دسته کلی جای داد:

۱. بررسی چوگان در متون ادبی - تاریخی؛
۲. بررسی چوگان در هنر؛
۳. بررسی چوگان در حوزه علوم ورزشی.

در زمینه چوگان در متون تاریخی و ادبی، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج کشور انجام شده است: آذرنوش در بازخوانی رساله پهلوی "خسرو و ریدک" اشاره می‌کند که در این رساله دوبار کلمه "چوپینگان" (چوگان) آمده است (Azarnouche, 2013: 85). شهابی و گوتمن^۱ به خاستگاه و ظهور چوگان در ایران و نمود آن در ادبیات ایران و اشعار شاعرانی چون فردوسی و نظامی گنجوی و چگونگی انتشار آن در اقصی نقاط دنیا پرداخته‌اند (chehabi & guttmann, 2002: 385-390). متینی به بازیابی چوگان در "کوش نامه" اثر ایرانشاه ابن ابی‌الخیر (قرن ۵ و ۶ ه. ق.) پرداخته و اشعاری را که در آنها از چوگان سخن رفته، معرفی کرده است (متینی، ۱۳۷۷: ۱۹۳ تا ۱۹۰). طبق گفته متحدین که به بازیابی چوگان در «تاریخ ابن بی بی» (قرن ۷ ه. ق.) پرداخته، چوگان پیش از آنکه به صورت وسیله بازی درآید، حربه میدان نبرد بوده است. به این منظور، چوب بلند محکمی را برمی‌گزیدند تا در برابر ضربه‌های سخت تاب بیاورد و نشکند. چوگان باز نیز برای به کارگیری، می‌بایست طریقه استفاده درست از آن را با شگردها و فوت و فن‌ها به دقت بیاموزد و با مهارت و چابکی بسیار در حمله و گریز، آن را به کار برد (متحدین، ۱۳۷۶: ۸۰ تا ۷۳). کرمی چمه با اشاره به پیشینه چوگان در تاریخ ایران و معرفی این رشته و با اشاره به متون تاریخی که در آنها از چوگان سخن رفته، به ۱۶ غزل از حافظ با موضوع چوگان اشاره نموده و معانی استعاری هر بیت را برشمرده است (کرمی چمه، ۱۳۹۱: ۴۶۷ تا ۴۵۹). محمدی و فاضلی به واژه‌شناسی چوگان، سیر تحول این ورزش، چگونگی بازی و هدف از اجرای آن بر اساس شاهنامه فردوسی و منابع

¹ Guttman Allen

دیگر پرداخته و همچنین با اشاره به کتاب "بهمن نامه" اثر ایرانشاه ابن ابی الخیر، خاطر نشان ساخته اند که طبق بیان صریح بهمین نامه، چوگان بازی و تاخت و تاز تا هفت مرحله (معادل واحد زمانی امروزی "چوکه" [۱]) ادامه می یافت و در مرحله آخر، فرد می توانست گوی را از میدان به در کرده و بازی را به نفع خود به پایان رساند. همچنین به چوگان بازی "همای" نیز اشاره شده که نشان از حضور زنان دلاور در بازی چوگان دارد (محمدی و فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲ تا ۲۴۹). آذرنوش نیز به تاریخ چوگان و خاستگاه آن اشاراتی دقیق دارد. او واژه شناسی چوگان در زبان های مختلف دنیا، شرحی بر چوگان در ایران پیش از اسلام، روایت های افسانه ای و نیم تاریخی و تاریخی، چوگان ایران در عصر اسلامی، نخستین فرسنامه ها [۲] به زبان فارسی، چوگان در هنر و ادبیات ایران و جهان عرب را ارائه کرده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۸۲ تا ۴۴).

دیم^۱ دیدگاه بسیار دقیق تری نسبت به دیگر پژوهشگران در حوزه چوگان داشته است. او به چوگان ایران از دوره صفویه تا دوره قاجار اشاره کرده و به شکل اجمالی به چوگان در نگاره ها و اشعار ایرانی پرداخته است. در انتها به مقررات بازی در قدیم و معرفی اشکال چوب و گوی چوگان در کشورهای مختلف، مدت زمان مسابقه و انواع موسیقی مورد استفاده در هنگام بازی اشاره دارد (Diem, 1942: 104-238).

گروهی دیگر از پژوهش های صورت گرفته مربوط به چوگان در حوزه هنر می شوند. ابویی به امکان سنجی احیای میدان نقش جهان و مقایسه وضع موجود میدان با گذشته آن و آسیب های وارد شده به میدان و راه های درمان آن پرداخته و همچنین طرح پیشنهادی برای فضای باز میدان و ایجاد یک زمین برای فعالیت چند منظوره از جمله چوگان را ارائه کرده است (ابویی، ۱۳۷۷: ۶۸۲ تا ۳۸۶). فاضلی و ریاضی نیز به بررسی ویژگی های تصویری چهار نگاره مربوط به "گوی و چوگان" سروده عارفی هروی، شاعر دوره تیموری پرداخته اند. گوی و چوگان یکی از نسخه های مصور مثنوی مضمون این منظومه، شرح عشق و دلدادگی درویشی ساده دل به شاهزاده ای می باشد که به هنرهای بسیار از جمله سوارکاری و چوگان بازی علاقه مند است و در آن صحنه های زیبایی از بازی شاهزاده تصویر شده است. در این پژوهش، نگاره های چوگانی از لحاظ ساختار و ترکیب بندی آنالیز شده اند (فاضلی و ریاضی، ۱۳۸۹: ۹۳ تا ۸۳).

دسته دیگری از پژوهش ها شامل بررسی این رشته ورزشی از دیدگاه علوم ورزشی می شود. طبق گفته آموندسن^۲ چوگان در بین گاوچران های آمریکا رواج زیادی داشته و بازی اصلی آنان بوده و با توجه به ویژگی های اقلیمی مناسب جنوب آمریکا جهت پرورش اسب و همچنین انتشار گسترده جغرافیایی چوگان

¹ Diem Carl

² Amoundson Michael A.

در کل ایالات متحده، این بازی از استقبال زیادی برخوردار بوده و با اشاره به نگاره ای از مثنوی "گوی وچوگان" عارفی هروی، به خاستگاه ایرانی چوگان با اندکی تردید نگریسته است (22-3: Amundson, 2009). محمودی نیز پیشنهاداتی چون: انجام تحقیقات تاریخی مثل سوارکاری و ورزش های پهلوانی، بررسی زمینه های ارتقای سوارکاری و تاثیرات آن بر چوگان، بررسی ایجاد مجدد سواره نظام به شکل نمادین و یگان تشریفات در نیروی نظامی در جهت حفظ هویت تاریخی- فرهنگی سوارکاری و چوگان، بررسی و مطالعه زمینه های ایجاد مدارس چوگان و اهمیت گردشگری چوگان¹ در توسعه این ورزش را ارائه کرده است (محمودی، ۱۳۹۱: ۱۴۹ تا ۱۱۴). ایزدی و کوزه چیان مواردی چون: تشریح و تحلیل آغاز و توسعه ورزش چوگان در تاریخ ایران، کاوش پیرامون نقش جاری بازی چوگان در جامعه، ریشه های تاریخی چوگان در ایران باستان و دوره اسلامی، چوگان در ادبیات و متون تاریخی مانند شاهنامه فردوسی، قوانین مسابقه و وسایل ضروری چوگان باز، ویژگی های گوی و چوب چوگان مورد استفاده در حال حاضر را برشمرده و نیز مدیریت جدید و بازشناسی دوباره این رشته ورزشی را خواستار شده و در نهایت دلایل انزوای این رشته ورزشی را بیان کرده اند (ایزدی و کوزه چیان، ۱۳۸۶: ۳۳۶ تا ۳۱۷).

مطالعه نگاره های به جای مانده از ادوار مختلف ایران تاکنون موضوع بسیاری از مطالعات و طرح های پژوهشی بوده و بیشتر این مطالعات از منظر تاریخی- ادبی، هنری و ورزشی به موضوع نظر کرده اند. رویکردهای آنها را می توان در دسته بندی هایی همچون: مطالعات ادبی، عرفانی، تاریخی، ساختارگرایی، فرمالیسم^۲، آنالیزهای رنگی، سبک شناسی و تربیت بدنی مورد ملاحظه قرار داد. اما به نظر می رسد در این میان یک مسئله مغفول واقع شده و آن، بررسی ابزار چوگان ایران در آثار هنری و تطبیق آن با متون تاریخی و ادبی هم دوره آن است. از سوی دیگر، در مطالعات صورت گرفته نیز استناد به جنبه های باستان شناختی نگاره ها و متون کهن جهت بررسی ابزار و ادوات چوگان- علیرغم اهمیت بسیار- نادیده انگاشته شده و یا به آن کم توجهی شده است. بی تردید، مطالعات انجام شده مسائل بسیاری را پاسخ گفته و گامی مؤثر در زمینه معرفی چوگان ایرانی به دنیا بوده است. اما، سیر تحول ابزار چوگان و مسائلی از این دست، جای خالی پژوهش هایی از این قبیل را در میان مطالعات ارزنده ذکر شده به وضوح نشان می دهد. از آن جا که نمی توان برای چوگان هویتی مستقل، فارغ از متون تاریخی- ادبی، هنر و ورزش قائل شد و از سوی دیگر، این رشته ورزشی طیف وسیعی از علوم و رشته ها را در بر می گیرد، لذا مطالعات آن، به نوعی میان رشته

¹ Polo Tourism

² Formalism

ای است. بنابراین انجام این پژوهش در مطالعه نگاره های چوگانی و اجماع آن با متون تاریخی - که بخش انکار ناپذیری از تاریخ چوگان ایران اند - از این منظر، الزامی می باشد و تلاش می کند تا در حد توان، دیدگاه متخصصان و مدیران ورزشی و میراث فرهنگی را به عنوان رکنی اصلی در تصمیم گیری های کلان، ارتقا بخشد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه تاریخ نگاری نوین و با اتکا به دیدگاه رابین جورج کالینگوود^۱ در حوزه "تاریخ تحلیلی" و به شیوه کیفی^۲ انجام یافته که در آن منابع تصویری، منابع مکتوب ادبی و تاریخی مورد استفاده قرار گرفته اند؛ به طوری که "به پرسش هایی که بر زمینه هایی چون توسل به مدارک پایه ریزی شده، پاسخ می دهد" (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۲۸). بر این اساس، از بین آثار هنری دارای تاریخ موثق و یا امضای هنرمند، دو اثر مربوط به دوره سلجوقی و پنج اثر مربوط به دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین از بین آثار مکتوب، ۱۴ شاعر سلجوقی، ۱۴ شاعر صفوی، یک وزیر دربار صفوی^۳ و پنج سفرنامه از جهانگردان و سفرای اروپایی در دوره صفوی مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است. با مقایسه منابع مکتوب [دارای نسخه دیجیتال بوده و یا به صورت دستی جستجو شده] فوق، هر کدام از منابع که به لحاظ کمی، داده های بیشتری ارائه می کرد، به عنوان مرجع برگزیده شد. همچنین جهت سهولت، مراجع بدین شکل کدگذاری شده اند: نرم افزار درج ۳=D، موتور جستجوی گنجور=G، لغت نامه علامه دهخدا=L و جستجوی کتابخانه ای=K.

یافته های پژوهش

چوگان در منابع مکتوب دوره سلجوقی به شرح زیر است:

محمد ابن اسفندیار (مورخ قرن ۶ و ۷ ه.ق.) در بخشی از کتاب "تاریخ طبرستان" با عنوان "پادشاهی حسام الدوله اردشیر ابن الحسن سی و چهار سال و هشت ماه بود" پس از برشمردن ویژگی های ظاهری حسام الدوله شهریار طبرستان [معاصر با سلطان محمد (حک. ۴۹۸ ه.ق. - ۵۱۱ ه.ق.) پسر ملکشاه سلجوقی]، به وصف چوگان بازی او می پردازد. ابن اسفندیار آورده است: "و اگر به نشاط گوی مشغول خواستی بود، ۱۵۰ اسب چوگانی به میدان زین کرده با سرآخوران [رئیس اصطبل] بیاوردندی تا هر که گوی بچوگان گیرد بر اسب او

^۱ Collingwood Robin George

^۲ Qualitative Research

^۳ محمد طاهر وحید قزوینی

نشیند، و بهر چهار حد میدان شرابدار بر موکب [گروه سواران یا پیادگان] با قدح شراب استاده بوده تا اگر یکی را تشنگی غالب شود آنجا گراید و شربت خورد، و جامه گوی اصفهبد بخلاف دیگر جامه ها بودی، قبای تنگ پوشیدی و کلاه را سربند بستی و کمر مرصع با لوح های یشم «قل هو الله و یس» نبشته بستی و چون فارغ شدی از تماشای میدان، به گرمابه شدی و آن قبا و کلاه ببخشیدی" (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۲۱).

در میان جستجوهای صورت گرفته در آثار شعرای عهد سلجوقی، از بین چهارده شاعری که در آثارشان به چوگان و کلمات مرتبط با آن اشاره کرده اند، بابا افضل کاشانی، خاقانی شروانی، فلکی شروانی، قوامی رازی، مجیرالدین بیلقانی و نظامی گنجوی به مواردی درباره جنس و شکل چوب چوگان اشاره داشته اند:

۱. بنا بر داده های نرم افزار دُرَج^۳ بابا افضل در دیوان اشعار خود در قسمت رباعی ها اشاره ای (نازیبا) به شکل چوب چوگان داشته است که بنا بر جستجوهای صورت گرفته در دواوین مختلف بابا افضل با مصححان و چاپ های متفاوت، رباعی مورد نظر یافت نشد و لذا از ذکر آن در این پژوهش خودداری می گردد.

۲. خاقانی شروانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "جلال الدین ابوالمظفر اخستان شروانشاه" در بیت ۱۸ ام چنین می گوید:

خواهد سپهر کاندم خورشید گوی گردد / چون در کفش هلالی چوگان تازه بینی(خاقانی شروانی، ۱۳۳۸: ۴۳۲).

همچنین خاقانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "شروانشاه جلال الدین ابوالمظفر اخستان ابن منوچهر" در بیت ۱۰۴ ام چنین می گوید:

تا شب است و ماه نو گویی که از گوی زمین / گرد بر گردون ز سیمین صولجان افشاندند
(همان، ۱۳۳۸: ۱۱۱). ۳.

۳. فلکی شروانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "شروانشاه منوچهر ابن فریدون" در بیت سوم چنین آورده است:

بود به میدان عید پیکر خورشید گوی / زآن به شب عید ماه چون سر چوگان رسید(فلکی شروانی، ۱۳۴۵: ۳۰). ۴.

۴. قوامی رازی در دیوان اشعار خود در غزلی به مناسبت عید فطر، در بیت دوم چنین آورده است:

ماه شب عید هست چون سر چوگان تو / زان ز طرب همچو گوی خلق بود بی‌قرار(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۵۰).

۵. مجیرالدین بیلقانی بنا بر داده های نرم افزار دُرُج ۳ در دیوان اشعار خود اشاره‌ای به شکل چوب

چوگان داشته است که بنا بر جستجو های صورت گرفته در دواوین مختلف مجیر با مصححین و چاپ های متفاوت، بیت مورد نظر یافت نشد و لذا از ذکر آن در این پژوهش خودداری می گردد.

۶. نظامی گنجوی در کلیات خمسه، بخش "خسرو و شیرین" در ذیل عنوان "چوگان باختن خسرو با شیرین" در بیت ۱۸ مُم به نکته ای اشاره کرده و چنین می گوید:

ز چوگان گشته بیدستان همه راه / زمین زان «بیدِ صندل سوده» [۳] بر ماه(نظامی گنجوی، ۱۳۴۴: ۲۰۳) که آذرنوش معتقد است که این بیت اشاره به جنس چوب چوگان دارد که از درخت بید بوده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۵۸).

همچنین نظامی در "خسرو و شیرین" در بخش "دیدن خسرو، شیرین را در چشمه سار" در بیت ۱۱۰ مُم چنین می گوید:

خمیده بیدش از سودای خورشید/ بلی رسم است چوگان کردن از بید(نظامی گنجوی، ۱۳۴۴: ۱۸۱). در این بیت که به واقعیت نزدیک تر می نماید، نظامی اشاره مستقیم و واقعی تری (نسبت به دیگر شعرا) به جنس چوب چوگان و شکل کلی آن داشته است(نگاه کنید به جداول ۱ و ۳).

چوگان و نمود آن در آثار هنری دوره سلجوقی شامل دو مورد از آثار به جا مانده می شوند که هر دو از جنس سفال بوده و با لعاب های مختلف نقاشی شده اند. اولین اثر بر جای مانده، بشقابی با لعاب «زرین فام» با نقش زن چوگان باز مربوط به سال ۶۰۴ ه.ق. است که در موزه ویکتوریا و آلبرت انگلستان قرار دارد. دورتا دور کاسه با گل های تکرار شونده آراسته شده و در داخل ظرف و گرداگرد شخصیت مصور شده، متنی فارسی [احتمالاً شعر] مرقوم شده است. تصویر زن چوگان باز، یادآور مشخصه های بارز ۲ نقاشی دوره سلجوقی است و مدل موها و هاله نور دور سر زن، مؤید این مطلب است. زن در میان انبوهی

¹ Victoria and Albert Museum

² Typical

از شاخه ها و گل های اسلیمی و ختایی و پرندگان، محصور شده که می تواند نشان دهنده همگامی چوگان و شکار در دوره سلجوقی باشد. از سویی چوب چوگانی که در دست زن قرار دارد، نازک بوده و بلندی آن تقریباً به اندازه چوب های چوگان امروزی بوده و شکل کلی آن به شکل «ل» است (تصویر ۱).

تصویر ۱: بشقاب زرین فام با نقش زن چوگان باز، کاشان، سال ۶۰۴.ق.، موزه ویکتوریا و آلبرت، (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۲، ۱۴)

دومین اثر مربوط به پارچ سفالی لعابدار با نقش چوگان باز است. تکنیک لعاب در این ظرف، احتمالاً زیرلعابی بوده و هنرمند از طیف گسترده ای از لعاب ها در اثر خود استفاده کرده است. گرداگرد دهانه پارچ در داخل و خارج، با خطوطی (احتمالاً کوفی) آراسته شده و به احتمال زیاد داستان نگاره را شرح می دهند. سپس زنجیره ای سبزرنگ بشکل دوایر به هم پیوسته، دورتادور گردن ظرف را آراسته اند که می تواند یادآور گوی چوگان باشد. دو شخصیت مصور شده با چهره و هاله دور سر که مشخصه بارز نقاشی سلجوقی است، ترسیم شده اند و در پس زمینه ای با لعاب فیروزه ای رنگ قرار دارند. از سویی در پس زمینه اثر گل های اسلیمی مشاهده می شود که در فواصل مختلف دارای اشکال دایره شکلی هستند که تداعی کننده جنب و جوش بازی چوگان و حرکت گوی چوگان می باشند. چوب چوگانی که در دست چوگان باز سمت راست است به شکل «ل» است (تصویر ۲).

تصویر ۲: پارچ سفالی لعابدار با نقش چوگان بازی، ایران، دوره سلجوقی (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۲، ۱۷)

نمود چوگان در منابع مکتوب دوره صفوی شامل متون ادبی، نسخ خطی، کتب تاریخی و سفرنامه های به جای مانده می شوند که به ذکر چند نمونه پرداخته می شود. همچنین در جستجوهای صورت گرفته جهت یافتن متونی که به جنس و شکل چوب چوگان اشاره ای کرده اند، از میان شاعران و نویسندگان دوره صفوی که چوگان وصولجان را در آثار خود به کار برده اند، محمدطاهر وحید، محتشم کاشانی، وحشی بافقی و قاسمی گنابادی به فرم، جنس یا تزیین چوب چوگان اشاره کرده اند (نگاه کنید به جداول ۲ و ۳).

الف- شاه تهماسب اول

۱. میشل مامبره ۱ بازی تهماسب را دیده است. مامبره در سال ۱۵۴۰ م. به نمایندگی از جانب دولت ایتالیا به پایتخت ایران، تبریز آمد و با شاه صفوی دیدار کرد. وی در "گزارش ایران" خود نقل می کند که روزی به تماشای چوگان بازی شاه رفت. در آن روز، شاه با برادر خود بازی می کرد. هریک از دو برادر در یک گروه پنج نفری بازی می کردند. چوب و گوی شان از جنس چوب و گوی اندکی از تخم مرغ بزرگتر بود. انبوه مردم نیز از پس دیوارهای کوتاهی که پیرامون میدان را گرفته بود، به تماشای بازی آمده بودند (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۷۸).

۲. محتشم کاشانی در دیوان اشعار خود در قصیده ای در مدح "والی گیلان جمشید زمان" در بیت ۲۱ أم چنین می گوید:

آورند از یک گریبان سر برون بدر و هلال / روز میدان چون نهد بر دوش زرین صولجان (محتشم کاشانی، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

۴. وحشی بافقی در دیوان اشعار خود در ستایش شاه تهماسب در بیت ۲۸ أم چنین آورده:

چون غلامان به دوش ترک سپهر / از مه عید صولجان باشد (بافقی، ۱۳۳۹: ۱۸۸).

۵. قاسمی گنابادی (جنابادی) در کتابش گوی و چوگان یا "شاه اسماعیل نامه" [این انتساب نادرست

است و کتاب در وصف چوگان بازی شاه تهماسب می باشد که شاعر در متن کتاب به نام

تهماسب تصریح کرده است (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۷۸)] که به سال ۹۴۷ ه.ق. سروده، به شیوه ادبی شاه

تهماسب و چوگان بازی وی را ستوده است. گنابادی در بیت شانزده چنین سروده است:

ز میدان برم بر فضای سپهر / به چوگان قوس قزح گوی مهر (قاسمی گنابادی، ۱۳۸۷: ۲۸۲).

¹ Membre Michele

ب- شاه عباس اول: در زمان شاه عباس اول چوگان به اوج شهرت و اعتبار رسید و یکی از بزرگترین و زیباترین میدان های جهان [میدان نقش جهان] به آن اختصاص یافت.

۱. کهن ترین گزارش مربوط به سفرنامه (برادران شرلی) آنتونی شرلی^۱ (۱۵۶۵م. - ۱۶۳۵م.) و رابرت شرلی^۲ (۱۵۸۱م. - ۱۶۲۸م.) است. رابرت شرلی چنین نقل کرده است: "بعد از این تهیه مهمانی را فراهم آوردند. اول اسباب طرب به میان آمد و دو ساعت وقت خود را به عیش گذراندیم. بعد از ختم مجلس، پادشاه از سیر آنتوان خواهش کرد که از پنجره تماشای اسب دوانی کند. در جلو خانه میدان قشنگ وسیعی بود که خوب صاف و مسطح کرده بودند. پادشاه به آنجا رفته و وقتی سوار شد، کرناها و طبل ها را نواختند. جمعاً ۱۲ نفر سوار با پادشاه که در دست خود چوب های درازی داشتند که به قدر یک انگشت قطر داشت و در سر آن چوب ها یک تکه چوب دیگر مانند سر چکش نصب کرده بودند. بعد از این که دو قسمت شده و روبرو آمدند، یک نفر به میان آنها آمده و گویی از چوب به بالا می انداخت ... به کرات پادشاه به سمت سر آنتوان که از پنجره تماشا می کرد، آمده پرسید که آیا خوشتان می آید؟" (شرلی، ۱۳۷۸: ۵۴).

۲. پیتر و دلاواله^۳ (۱۵۸۶ م. - ۱۶۵۲ م.) هنگامی که در سفر قزوین همراه شاه عباس بود، در بخشی از سفرنامه خود با عنوان "از قزوین" چنین آورده: "وقتی شاه مایل باشد، یعنی تقریباً هر شب، ضمن یک آهنگ خاص نقاره خانه، کسانی که به بازی چوگان آشنایی دارند وارد میدان می شوند. شاه شخصاً عده ای را برای بازی صدا می کند و خود نیز چوگان به دست می گیرد و اسب می تازد و می توان گفت این بازی را خیلی بهتر از دیگران می داند. چوگان تقریباً چیزی شبیه آن بازی است که مردم فلورانس^۴ با پای پیاده انجام می دهند و به آن کالجو [۴] می گویند ... هر سواری می کوشد تا خود را زودتر به گویی که از چوب بسیار سبک ساخته شده است، برساند و آن را با چوگان که چوب بلند سرکچی است از دست حریف خارج کند." (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۹۵).

ج- شاه عباس دوم

۱. تاورنیه^۵ (۱۶۰۵ م. - ۱۶۸۹ م.) که در اواخر حکومت شاه عباس دوم (حک . ۱۰۵۲ ه. ق. - ۱۰۷۷ ه. ق .) وارد ایران شد در فصل پنجم از سفرنامه خود با عنوان "شهر اصفهان پایتخت کل ممالک پادشاه ایران" میدان

¹ Anthony Sherley

² Robert Sherley

³ Pietro Della Valle

⁴ Florence

⁵ Tavernier Jean-Baptiste

نقش جهان را چنین توصیف می کند: "میدان بزرگ قریب هفتصد قدم طول و سیصد قدم عرض دارد، طول آن از جنوب به شمال واقع شده و در چهار سمت، عمارت دارد... روبروی درگاه که به سمت بدنه چوبی میدان می رود، دو پایه سنگ به ارتفاع پنج شش پا و به فاصله هفت هشت پا دور از یکدیگر دیده می شود که برای چوگان بازی ساخته شده و باید گوی را در تاخت اسب چنان بزنند که از وسط آن دو بگذرد" (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۹۱).

۲. محمد طاهر وحید (؟.ق. - ۱۱۱۰.ه.ق.) بازی شاه عباس دوم را در گفتاری آکنده از استعاره ستوده است: "...از هلال نورانی چوگان که با سرپنجه زرافشان آن خورشید درخشان قران داشت. ماه تمام چون گوی غلتان سرگشته وادی حیرت می گردید... و گوی از صدمه چوگان آن ممتاز پادشاهان، همقطار سیارگان و زمین از صدمه سُم آهنین مرکبش، غازه رخسار آسمان بود..." (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۴۰).

د- شاه سلیمان

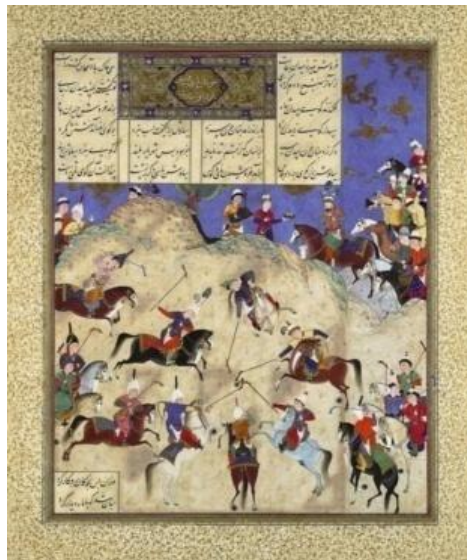
۱. سفرنامه ژان شاردن^۱ (۱۶۴۳م. - ۱۷۱۳ م.) حاوی اطلاعات ارزشمندی از چوگان در دوران شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی (حک. ۱۰۷۷.ه.ق. - ۱۱۰۵.ه.ق.) است. شاردن در توصیف میدان نقش جهان چنین آورده است: "...رشته به هم پیوسته بناها توسط عالی قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله و بازار شاهی [قیصریه] از هم جدا شده بود. دوازده ورودی اصلی و تعداد زیادی ورودی فرعی دیگر وجود داشت. در مرکز میدان، ستون بندی قرار داشت که در طرفین آن دو سکوی کوچک عالی ساخته شده بود. در میدان، تیرک های مرمینی نیز جهت بازی چوگان تعبیه شده بود که مشابه دروازه های دوره پارتیان بود" (فریر، ۱۳۸۴: ۱۰۳). شاردن در فصل دوازدهم سفرنامه خود با عنوان "ورزش ها و بازی های ایرانیان"، سرگرمی ها و ورزش های ایرانیان را به چهار بخش تقسیم کرده و چنین آورده است که جوانان ایرانی تا هجده و بیست سالگی در محضر استادان و خواجگان به آموختن دانش و ادب می پردازند و از آن پس به ورزش رو می آورند. این ورزش ها عبارت اند از: تیراندازی با تیروکمان، شمشیربازی، سوارکاری و چوگان. در ادامه چنین می گوید: "چوگان بازی در میدان بزرگی که در هر یک از انتهای مقابلش دو ستون، مقداری دور و برابر هم تعبیه شده و به جای دروازه است، انجام می گیرد. در وقت شروع بازی، گوی را در وسط میدان می اندازند و بازیکنان در حالی که چوگان به دست دارند برای زدن گوی به هر سو می تازند و

¹ Chardin Jean

چون دسته چوگان کوتاه است باید بدن خود را به طرف زین خم کنند تا بتوانند گوی را به ضرب چوگان به گردش در بیاورند" (شاردن، ۱۳۷۴: ۷۸۳).

چوگان و نمود آن در نگاره های دوره صفوی شامل پنج نگاره از نفیس ترین و ممتازترین نگاره ها می شود که به ترتیب تقدم زمانی از قدیم به جدید، مرتب شده اند. اولین اثر مربوط به شاهنامه تهماسبی با موضوع "هنر نمودن سیاوش نزد افراسیاب"، به سال ۹۲۶ تا ۹۳۶ هجری قمری و اثر "قاسم بن علی" است. "قاسم شیرازی" نگارگر ایرانی فعال در نیمه نخست قرن دهم هجری قمری است. گویا در شیراز آموزش دیده و سپس به تبریز رفته و به جمع هنرمندان دربار شاه تهماسب اول پیوسته و در چند تصویر شاهنامه تهماسبی با میر مصور و محمد قدیمی همکاری داشته است. (پاکباز، ۱۳۹۰: ۳۸۳).

داستان شناسی نگاره: در پیگیری اشعار نوشته شده به خط نستعلیق که در بالا و پایین نگاره نگاشته شده اند، مشخص گردید که اشعار مربوط به شاهنامه فردوسی و بخش هشتم از "داستان سیاوش" می باشند و فردوسی تنها در این بخش از داستان سیاوش هشت بار چوگان به کار برده است. همچنین از بین چهارده داستان از شاهنامه فردوسی که در آنها چوگان به کار رفته، "داستان سیاوش" به لحاظ کمی رتبه اول را داشته و فردوسی ۱۰ مورد چوگان در تمامی ۲۱ بخش این داستان قید کرده است. داستان مربوط به چوگان بازی سیاوش در حضور افراسیاب و نیرنگ و خدعه سپاهیان افراسیاب نسبت به اوست و فردوسی به تنهایی سیاوش در میدان و نحوه چوگان بازی کردن او پرداخته است (فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۰۷ تا ۱۱۴). در این نگاره جمعاً ۲۸ نفر حضور دارند که عبارت اند از: پنج نفر نوازنده دهل و سرنا که که بر گرده شتر و اسب سوارند، چهار نفر تماشاگر که به صورت پیاده در پشت تپه ها حضور دارند، سه نفر تماشاگر که هر سه بر اسب سوارند و یکی از آنها که دارای محاسن است و تزیین کلاه اش متفاوت بوده و در حال نوشیدن پیاله ای است که در دست دارد و از بقیه مسن تر به نظر می رسد- احتمال می رود که افراسیاب باشد، دو نفر خادم که روبه روی افراسیاب در پشت تپه ها ایستاده اند و مشغول پذیرایی از میهمانان با نوشیدنی و خوراکی هستند، پنج نفر چوگان باز در سمت چپ و راست میدان بر روی اسب به حالت آماده هستند و در واقع بازیکن ذخیره اند. در کانون نگاره نه نفر به چوگان بازی در میدان مشغول هستند. شکل سر چوب ها نیز به شکل «L» بوده و رنگ های مختلفی دارد که یا نقاش به جهت پرهیز از یکنواختی کار، آنها را رنگارنگ مصور نموده و یا رنگ های واقعی را که دیده، مصور کرده است (تصویر ۳).



تصویر ۳: هنر نمودن سیاوش نزد افراسیاب، شاهنامه تهماسبی، اثر قاسم بن علی، حدوداً ۹۲۶-۹۳۶ هجری قمری

(ferdowsi, 2009, 50)

دومین اثر نگاره "چوگان بازی کردن خسرو و شیرین" از کتاب *خمسه نظامی* است که مربوط به سال ۹۴۷ هجری قمری است و در دانشگاه کمبریج^۱ نگهداری می شود.

داستان شناسی نگاره: با توجه به چوگان بازی زنان و مردان در این نگاره و ذکر این نکته که در میان داستان های کهن ایران تنها در داستان خسرو و شیرین از چوگان بازی میان زنان و مردان سخن رفته، مشخص گردید که داستان مربوط به کتاب خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجوی و مربوط به بخش "اندرز و سوگند دادن مهین بانو شیرین را" می باشد. نظامی تنها در این بخش پنج بار چوگان آورده است. این داستان منظوم با پند و اندرز مهین بانو (مادر شیرین) به شیرین آغاز می شود و مهین بانو چگونگی رفتار با مردان و تقدم ازدواج بر عشقبازی را به شیرین تاکید می کند. در ادامه شیرین و خسرو با هم ملاقات می کنند و برای چوگان بازی آماده می شوند و شیرین و بانوان همراه اش علیرغم تصور خسرو، بسیار متبحر و چالاک ظاهر می شوند و تعجب خسرو را برمی انگیزند و در انتها به شکار می پردازند (نظامی گنجوی، ۱۳۸۶: ۲۲۱ تا ۲۲۵).

دو چوگان باز ذخیره زن بر روی اسب، به حالت آماده ایستاده اند. دو چوگان دار مرد که در پشت تپه ایستاده اند و با یکدیگر گفتگو میکنند. در مجموع چهار چوگان باز مرد و سه چوگان باز زن در میدان حضور دارند. سرچوب های چوگان در این نگاره به شکل «T» منحنی است (تصویر ۴).

¹ University of Cambridge



تصویر ۴: چوگان بازی کردن خسرو و شیرین، خمسه نظامی، حدود ۹۴۷ هجری قمری،

(www.joh.cam.ac.uk/library/special collection)

سومین نگاره با عنوان "ایاز چوگان بازی می کند در حالی که سلطان محمود او را تماشا می کند"، مربوط به کتاب "مجالس العشاق گازرگاهی" است که در سال ۹۸۸ هجری قمری تصویر شده است. داستان شناسی نگاره: با توجه به اینکه به زعم صاحب نظران ارزش تاریخی داستان های مجالس العشاق نسبت به دیگر آثار تاریخی کمتر است، اصل داستان نگاره را از کتب شعرای دیگر بازگو می کنیم. عطار در منطق الطیر در حکایتی منظوم به توصیف ماجرای ابراز عشق درویشی به "ایاز" غلام سلطان محمود پرداخته و در بیان حالات عاشقانه و عارفانه درویش از کلمات گوی و چوگان در معنای تمثیلی و عرفانی بسیار بهره برده است. داستان از این قرار است که درویش و سلطان محمود با هم گفتگو (مناظره) می کنند و سلطان محمود درویش را بخاطر افلاس و بی مایگی لایق ابراز عشق به ایاز نمی داند و او را محکوم می کند و درویش نیز پس از گفتگو با سلطان و شرح دلدادگی خویش نسبت به ایاز، خاطر نشان می سازد که شرط اصلی در عشقبازی، هجران و جانفشانی است، کاری که از تو (سلطان محمود) ساخته نیست و درویش همان دم جان می سپارد (عطار نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۸۳ تا ۲۸۰). متونی که در جداول بالا و پایین نگاره آمده، نثر هستند و به نظر می رسد داستان نگاره را شرح می دهند و در قسمت کتیبه ساختمان که نوازندگان بر روی آن ایستاده ان، مصرعی از حافظ (خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد) تصویر شده است. در این اثر فردی که در سمت چپ در بالای تصویر بر روی تخت نشسته و تاجی بر سر دارد که احتمالاً سلطان محمود است و با توجه به مطالبی که به شکل نثر در بالا و پایین نگاره آمده، چهار نفری که در پشت تپه ها ایستاده اند از امرای دربار غزنوی می باشند. مشخص کردن این نکته که "ایاز" کدامیک از چوگان بازان می باشد، بسیار مشکل است، زیرا تمامی چوگان بازان از نظر نوع و فرم لباس در یک محدوده

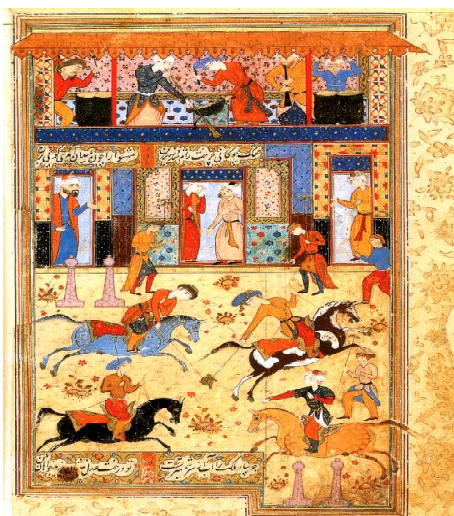
هستند و نمی توان نظری قطعی ابراز کرد. با این وصف احتمالاً بتوان چوگان باز سمت راست نگاره که با چوب در حال زدن ضربه و به لحاظ قرارگیری در روبروی سلطان قرار دارد را ایاز دانست. چوب های چوگان موجود در تصویر تقریباً به شکل «T» منحنی بوده و تماماً یک رنگ و یک شکل می باشند (تصویر ۵).

تصویر ۵: ایاز چوگان بازی می کند درحالیکه سلطان محمود او را تماشا می کند، مجالس العشاق گازرگاهی، حدود ۹۸۸ هجری قمری، (Uluc, 2006, 204)

چهارمین نگاره، صحنه ای از چوگان بازی مربوط به دیوان حافظ و مکتب شیراز می باشد و در حدود ۹۹۱ هجری قمری تصویر شده است.

داستان شناسی نگاره: در بالا و پایین نگاره ابیاتی از حافظ نوشته شده که مربوط به غزل شماره ۳۹۰ دیوان می باشد (حافظ، ۱۳۹۲: ۳۹۰). این غزل در ظاهر به مناسبت تبریک جلوس اتابک پشنگ ابن سلغرشاه (حک. ۷۵۷ ه.ق. - ۷۹۲ ه.ق.) [از اتابکان فارس] و در واقع به منظور تحریک او سروده شده و حافظ خواسته با سرودن و ارسال این غزل راه ارتباط با اتابک پشنگ را برقرار نماید تا شاید بتواند برای سلطان روزی رقیبی بترشد (جلالیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷۴). تمامی چوگان بازانی که در این نگاره تصویر شده اند نه تنها چوب چوگانی در دست دارند، بلکه چوب چوگان دیگری را از کمر خود آویزان کرده اند که همراه داشتن

چوب چوگان یدکی و آویزان نمودن آن در ناحیه کمر تنها در این نگاره مشاهده می شود. چوب های چوگانی که در این نگاره دیده می شود تماماً یک رنگ بوده که نشان دهنده یکسان بودن جنس آنهاست و به شکل «V» با زاویه باز است (تصویر ۶).



تصویر ۶: صحنه چوگان بازی، دیوان حافظ، مکتب شیراز، حدود ۹۹۱ هجری قمری (ریشار، ۲۰۰، ۱۳۸۳)

پنجمین نگاره "بازی چوگان" از شاهنامه فردوسی معروف به "شاهنامه قوام بن محمد شیرازی" است. این اثر مجلس بیستم بوده و به سال ۱۰۰۸ هجری قمری تصویر شده است و در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می شود. در عنوان تصویر قید نگردیده که این نگاره مربوط به کدام یک از داستان های شاهنامه فردوسی است، ولی با پیگیری اشعار مشخص گردید که نگاره مربوط به چوگان بازی گشتاسب (پسر لهراسب) و چابک سواران دربار قیصر روم می باشد. با پیگیری اشعار موجود در بالا و پایین نگاره مشخص گردید که داستان مربوط به بخش دوازدهم از "پادشاهی لهراسب" شاهنامه است و داستان درباره به میدان رفتن گشتاسب و هنرنمایی او برای چوگان بازی با چابک سواران دربار قیصر روم است و وقتی رومیان هنرنمایی و مهارت گشتاسب را در بازی چوگان می بینند، او را به نبرد نیز دعوت می کنند و گشتاسب نیز

از نبرد سرافراز بیرون می آید (فردوسی، ۱۳۹۰: ۲۷۲ تا ۲۷۳). در این نگاره ۴۰ نفر تصویر شده که بسیار شلوغ است و با توجه به اینکه مسابقه چوگان بین ایران و روم بوده و از حساسیت زیادی برخوردار بوده، می توان دلیل شلوغی نگاره را توجیه کرد. دو نفر زن از بالاخانه (بالکن) با حجابی کامل (به احتمال زیاد یکی از آنان "کتایون" دختر قیصر که در عین حال همسر گشتاسب نیز می باشد، است) و پنج نفر چوگاندار که بسیار جوان هستند به همراه یک نفر که به لحاظ سنی از آنها بزرگتر است و محاسن و عمامه دارد و به نظر می رسد رئیس و هدایت کننده چوگانداران است در تصویر مشاهده می شوند. ده نفر چوگان باز هم در میدان حضور دارند. شکل سر چوب های چوگان در این نگاره به شکل «V» با زاویه باز بوده و تمامی سر چوب ها یک رنگ هستند (تصویر ۷).



تصویر ۷: بازی چوگان، شاهنامه فردوسی معروف به شاهنامه قوام بن محمد شیرازی، مجلس بیستم، حدود ۱۰۰۸ هجری قمری، موزه رضا عباسی، (عکس از استاد محمدرضا ریاضی)

تحلیل یافته های پژوهش

در تحلیل شکل و رنگ چوب چوگان در هفت نگاره مورد بررسی، فرض بر این گرفته شده که نگارگران در رسم نگاره نهایت دقت و ظرافت را به خرج داده و هر چیزی را همانطور که دیده اند، ترسیم نموده و تقلیدی از نگاره های متقدم تر نکرده اند. همچنین با بررسی های دقیق نگاره های مورد بررسی در این پژوهش، اختلاف فرم و رنگ ابزار چوگان جلب نظر می کند که سبب پیگیری دلایل اختلاف در نگاره ها گردید- کنار هم قرار دادن نگاره ها و انطباق آنها با متون تاریخی و ادبی همزمان با آنها، به نتایج موثق و قابل قبولی منتج شد:

۱. نگاره اول و دوم، مصادف با دوره سلجوقی

در این دو نگاره که متعلق به دوره سلجوقی هستند، شکل سرچوب های چوگان به شکل «ل» می باشد که با سروده های خاقانی شروانی و فلکی شروانی و قوامی رازی مبنی بر هلالی بودن و سروده های نظامی گنجوی مبنی بر خمیده بودن چوب چوگان مطابقت می کند. همچنین نظامی به جنس چوب چوگان هم که از جنس بید بوده و خاقانی شروانی هم به سیمین بودن (احتمالاً تزیین) چوب اشاره کرده است.

۲. نگاره سوم، اوایل قرن ۱۰ه.ق.، مصادف با حکومت تهماسب اول

شکل سرچوب ها «L» شکل بوده و نقاش آنها را در رنگ های مختلف ترسیم کرده که یا به دلیل پرهیز از یکنواختی بوده و یا به جهت اختلاف در جنس آنها بوده است. همچنین در بررسی های انجام شده در این مقاله، اثر ادبی ای که مقارن با اوایل قرن ۱۰ه.ق. بوده و در آن کلمه چوگان آمده باشد، یافت نشد.

۳. نگاره چهارم، اواسط قرن ۱۰ه.ق.، اواخر حکومت تهماسب اول

شکل سرچوب ها به «T» منحنی تغییر شکل داده و به نظر می رسد به جهت سهولت استفاده از چوب چوگان در هنگام برخورد سرچوب با زمین، این تغییر ایجاد شده باشد. همچنین وقتی این نگاره را با نوشته های قاسمی گنابادی تطبیق می دهیم، می بینیم که شکل «ن» که از توصیفات اوست با «T» منحنی قرابت دارد. همچنین در بررسی های انجام شده در این مقاله، اثر ادبی ای که مقارن با اواسط قرن ۱۰ه.ق. بوده و در آن کلمه چوگان آمده باشد، یافت نشد.

۴. نگاره پنجم، اواخر قرن ۱۰ه.ق.، حدفاصل پایان حکومت تهماسب اول و آغاز حکومت عباس

اول

شکل سرچوب ها کماکان به صورت «T» منحنی بوده و وقتی این نگاره را با نوشته های شرلی که چوب های چوگان را چکشی شکل توصیف کرده، منطبق می کنیم، نشان از هماهنگی نگاره و توصیفات شرلی دارد. همچنین از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف با این نگاره سروده شده اند می توان به دیوان اشعار میرداماد با نه مورد چوگان، دیوان اشعار محتشم کاشانی با ۱۸ مورد چوگان و ۱۱ مورد صولجان، قاسمی گنابادی با ۸ مورد چوگان و محمد فضولی با ۱ مورد چوگان اشاره کرد که جمعاً ۴۷ مورد است و در این بین محتشم کاشانی اشاراتی به زرین بودن چوگان (احتمالاً تزیین) داشته و قاسمی گنابادی چوب چوگان

تهماسب اول را به قوس قزح (هلالی شکل) تشبیه کرده و مامبره نیز جنس چوب چوگان را چوبی توصیف کرده است.

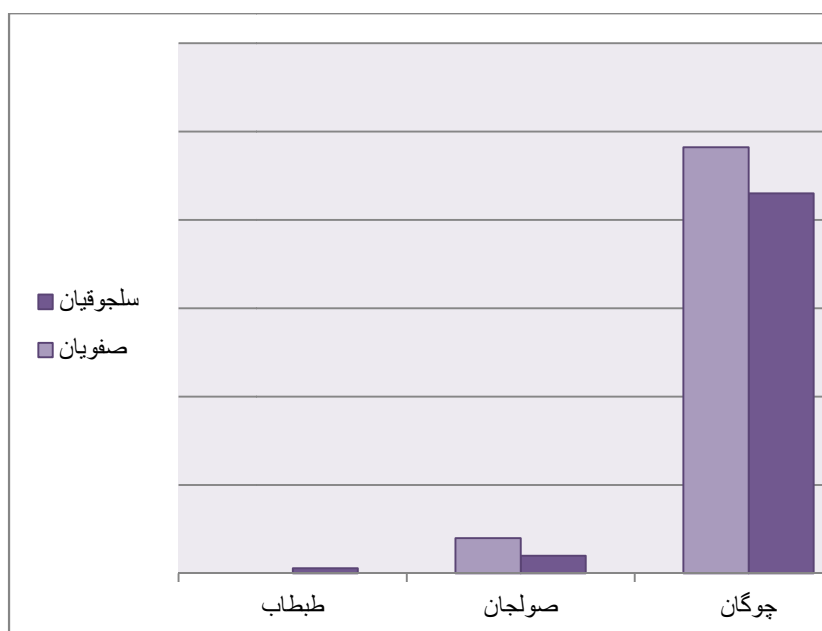
۵. نگاره ششم، اواخر قرن ۱۰ه.ق.، حدفاصل پایان حکومت تهماسب اول و آغاز حکومت عباس

اول

شکل سرچوب ها به صورت «V» با زاویه باز تغییرشکل داده و از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف با این نگاره سروده شده اند می توان به دیوان اشعار نظیری نیشابوری با ۱۳ مورد چوگان و دو مورد صولجان و دیوان اشعار عُرْفی شیرازی با دو مورد چوگان و آثار خلد برین، فرهاد و شیرین و دیوان اشعار وحشی بافقی با ۱۱ مورد چوگان و هفت مورد صولجان اشاره کرد که جمعاً ۳۵ مورد است و تنها وحشی بافقی شکل چوب چوگان را به هلال ماه تشبیه کرده است.

۶. نگاره هفتم، اوایل قرن ۱۱ه.ق.، اوایل حکومت عباس اول


شکل سرچوب ها کماکان به صورت «V» با زاویه باز بوده و جنس آنها با توجه به رنگ قهوه ای آنها در نگاره، چوب می باشد که با توصیفات دلاواله مبنی بر "اندکی خمیده بودن چوب چوگان" هماهنگ است. همچنین از بین آثار ادبی ای که تقریباً مصادف و یا پس از این نگاره سروده شده اند می توان به قصاید رضی الدین آرتیمانی با یک مورد چوگان، دیوان اشعار سیدای نسفی با ده مورد چوگان، دیوان اشعار صائب تبریزی با ۱۴۱ مورد چوگان، غزلیات فیض کاشانی با ۱۲ مورد چوگان، دیوان اشعار کلیم کاشانی با یک مورد چوگان، دیوان اشعار واعظ قزوینی با پنج مورد چوگان و غزلیات بیدل دهلوی با نه مورد چوگان اشاره کرد که در این بین تمامی ترکیبات چوگان مورد استفاده، در معنایی غیر از چوگان و به صورت استعاری و عرفانی هستند. همچنین با مقایسه فواصل زمانی پنج نگاره صفوی مورد بررسی در مقاله حاضر، محدوده زمانی اوایل قرن ۱۱ه.ق. و اوایل حکومت عباس اول به بعد، شاهد شکوفایی روزافزون چوگان هستیم، چراکه به لحاظ کمی سروده های شاعران نیز در باب چوگان، افزایش چشمگیری داشته (جمعاً ۱۷۹ مورد) و در این میان ۱۴۱ مورد چوگان در دیوان اشعار صائب تبریزی گواه این مدعاست.



د. چوگان، صولجان و طباطب در آثار ادبی و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی

: مقایسه شکل ظاهری سرچوب چوگان در نگاره ها و نسخ خطی دوره صفوی

الگو	نگاره	فرم (با استناد به نگاره ها)	جنس چوب چوگان(با استناد به کتب ادبی، تاریخی و نسخ خطی)
	تصویر ۱	شبیهِ « ل »	*بیدِ صندل سوده (نظامی گنجوی)
	تصویر ۲		*تزیین سیمین (خاقانی شروانی)
	تصویر ۳	شبیهِ « L »	
	تصویر ۴		*چوب

(شرلی ، دلاواله، مامبره) *تزیین زرین (محتشم کاشانی)	«T» منحنی	تصویر ۵	
	«V» با زاویه باز	تصویر ۶	
		تصویر ۷	

یخی و ادبی به عنوان مهمترین اسناد مکتوب و سپس نگاره های این دوره که نمایشی هستند و نیز ارجاع به مطالعات مربوط به ورزش چوگان مشخص گردید که میزان ره سلجوقی چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ تنوع آثار، در مقایسه با آثار ادوار فوی از تعداد و تنوع کمتری برخوردار بوده است، چرا که به دلایل درگیری های ترکان سلجوقی و عدم ثبات سیاسی کشور در این دوره و نبود آرامش نسبی در ایران اجتماعی و سیاسی، فضای مناسبی برای رونق و توسعه چوگان وجود نداشته و مجال از حاکمان تا اندازه ای سلب می کرده است. در نتیجه، فرصت لازم برای پرداختن به های جمعی نظیر چوگان در میان درباریان سلجوق- همانند آنچه در دوره صفوی بوده است. دوره سلجوقی در مقایسه با دوره های متقدم تر از خود نظیر سامانی و شعرا و نویسندگانی که به چوگان اشاره کرده اند، بیشترین تعداد (۱۴ نفر) را به خود این بین، بیشترین فراوانی مربوط به شیخ فریدالدین عطار نیشابوری با ۱۰۸ مورد، طیف وسیعی از مردم و شعرای آن روزگار به چوگان است. از سوی دیگر، ادیبان و موضوع اصلی اثر خویش قرار می دادند، ناچار باید دغدغه مخاطبان را نیز مدنظر آنها از ظرافت کاری های خود بازی آگاه نبودند، بی تردید، از فهم اثر ادبی عاجز نظامی گنجوی تنها شاعری است که به جنس و شکل چوب چوگان به وضوح اشاره

کرده است. او اشاره ای واقع گرایانه و به دور از تشبیه و استعاره داشته و در آن به فرم خمیده چوب چوگان اشاره کرده و می افزاید که درست کردن چوگان از درخت بید مرسوم است و در بیتی دیگر نیز آورده که چوب چوگان از جنس "بیدِ صندل سوده" [بیدی که با چوب صندل که بر آن مالیده اند خوشبو شده] است. با توجه به اشعار نظامی در مورد ساخت چوگان از بید و اشاره او به چوگان هایی از جنس "بیدِ صندل سوده" و همچنین ویژگی های سست و قابل انعطاف بودن ساقه های درخت بید و وزن مخصوص پایین آن و خواص دارویی چوب صندل از جمله تسکین کمر درد و سردردهای ناشی از گرما، فرح آوری و تقویت دید چشم - تمامی این موارد با چوگان بازی و سوارکاری رابطه مستقیم دارند و وقتی صندل به چوب چوگان مالیده شود سبب تولید بوی خوش در فضای میدان و بهره مندی چوگان بازان و تماشاگران می گردد - می توان گفت که نظامی گنجوی در قرن ششم ه.ق. به واقع آنچه را که در دست چوگان بازان دیده، بی کم و کاست روایت نموده است. در آثار مورد بررسی در دوره سلجوقی، جمعاً ۲۱۵ مورد چوگان، ۱۰ مورد صولجان و ۳ مورد طبطاب یافت شد. با توجه به تقدم دوره سلجوقی آثار کمتری به یادگار مانده و لذا اظهار نظر قطعی دشوار است و چنین به نظر می رسد که توجه به رسوم و سنت های ایرانی (مثل چوگان) و تبلور آن در هنر و احیای آن - همانند آنچه در دوره صفوی دیده شد - چندان مورد توجه دربار سلجوقی نبوده و آنان بیشتر در تداوم سنت های دولت های پیشین کوشیده اند و با توجه به موارد مورد بررسی، تغییر شکل و یا بهبود فرم چوب چوگان صورت نپذیرفته و تنها یک شکل خمیده به فرم «ل» مشاهده شده و بنا بر گفته نظامی گنجوی، جنس چوب چوگان در دوره سلجوقی از درخت بید بوده و خاقانی شروانی هم به سیمین بودن چوب (احتمالاً تزیین) اشاره کرده است. این در حالی است که حضور پررنگ چوگان در متون دوره سلجوقی نشان دهنده توجه به علوم و فنون و توسعه مدارس در این دوره بوده و تعدد شاعران و فزونی آثار با محوریت چوگان در این دوره گواه این مدعاست و حجم آثار مکتوب چوگانی در دو دوره سلجوقی و صفوی به لحاظ کمی تقریباً در یک سطح است.

بنابر مقایسه های صورت گرفته، در نگاره های صفوی شاهد طیف بیشتری از شکل سرچوب چوگان هستیم. لذا با توجه به تمامی مطالب یاد شده چنین می توان استدلال کرد که با توجه به تعداد نگاره های بر جای مانده و تنوع شکل ابزار و ادوات ترسیم شده در آنها، چوگان در دوره صفوی در مقایسه با دوره سلجوقی از اهمیت بالاتری برخوردار بوده که این می تواند حاکی از استقبال بزرگان و امرا و پادشاهان وقت از این ورزش مفرح باشد، چرا که به دلایل رونق اقتصادی و ثبات سیاسی کشور در دوره صفوی و آرامش نسبی حاکم در ایران به خصوص در این دوره، به لحاظ اجتماعی و سیاسی فضای مناسبی برای

رونق و توسعه آن وجود داشته است. در نتیجه، فرصت لازم برای پرداختن به تفریحات و یا ورزش های جمعی نظیر چوگان در طیف وسیعی از درباریان صفوی مهیا بوده است. از سوی دیگر، در نگاره های مورد بررسی دوره صفوی سه نوع سرچوب مشاهده شد که در اوایل دوره صفوی فرم "L" و سپس در دوره شاه عباس اول به دو فرم "T" منحنی و سپس "V" با زاویه باز تغییر شکل داده است. چنین به نظر می رسد که به دلیل سهولت استفاده از چوب چوگان در هنگام برخورد سرچوب با زمین و جلوگیری از فرسودگی و استهلاک آن، این تغییرات ایجاد شده باشند و سازندگان آن فرم های مختلفی را می آزمودند و در اختیار چوگان بازها قرار می دادند؛ چنان که در نگاره های صفوی بررسی شده نیز تنوع شکل چوب ها مشهود است و بیشترین تغییرات چوب چوگان در زمان شاه عباس اول اعمال شده که به دلیل استقبال او از چوگان بوده و ساخت میدان نقش جهان بنا به دستور او نیز بر حمایت های او از چوگان صحنه می گذارد. همچنین بنا بر گفته های مامبره، شرلی و دلاواله، چوب چوگان در دوره صفوی، چوبی بوده و محتشم کاشانی هم به زرین بودن چوب (احتمالاً تزیین) اشاره کرده است و احتمالاً منظور شاعر بیشتر آن نوع از چوب چوگان که به عنوان دَبُوس^۱ یا گرز کاربرد داشته و مزین به زر و سیم و سنگ های گرانبها بوده و جنبه آیینی پیدا کرده و نماد قدرت بوده است و احتمال دوم اینکه چوب های چوگان مورد استفاده اعیان دارای تزییناتی کوچک از جنس زر و سیم بوده است. در نهایت چنین به نظر می رسد که در دوره صفوی به جهت ارتباط با دنیای غرب و پیشرفت علوم و فنون و استقبال گسترده پادشاهان صفوی از چوگان، انگیزه لازم در جهت بهبود شکل چوب چوگان ایجاد شده و تغییر و بهبود کیفیت شکل چوب چوگان در دوره صفوی مشاهده شده است. بر اساس یافته های این پژوهش چهارده شاعر شهیر صفوی به چوگان اشاره کرده اند که بیشترین فراوانی مربوط به صائب تبریزی با ۱۴۱ مورد است و مؤیدی بر مدلول توجه طیف وسیعی از امرا، شعرا و مردم آن روزگار به چوگان و از همین رو بوجود آمدن تنوع در شکل چوب آن به شمار می آید. به هر حال بررسی ها نشان داد که در دوره صفوی در کنار رونق و توجه به ورزش چوگان، شاهد تنوع شکل ابزار و ادوات چوگان نیز هستیم. در آثار مورد بررسی در دوره صفویه، جمعاً ۲۴۱ مورد چوگان و ۲۰ مورد صولجان یافت شد.

¹ Mace

پی نوشت

۱. چوکه: بازی چوگان به ۶ دوره زمانی (چوکه) که هر کدام ۷ دقیقه می‌باشد، تقسیم می‌شود. البته این استاندارد مربوط به کشور انگلستان می‌باشد، ولی در آرژانتین و آمریکا این مدت زمان به هشت قسمت تقسیم شده و بین هر چوکه استراحتی معادل ۳ دقیقه و بین دو نیمه ۵ دقیقه در نظر گرفته می‌شود.
 ۲. فرسنامه‌ها: اسب نامه یا کتاب‌هایی با محوریت اسب که از اسب، اندام و انواع آن بحث کند.
 ۳. درخت بید دارای قامتی متوسط می‌باشد که ارتفاع آن به ۲۵ تا ۳۰ متر می‌رسد. تنه‌ای نسبتاً قطور که بسته به شرایط محیطی گاهی راست و گاهی خمیده است. شاخه‌های کم و بیش آویخته‌ای دارد که باریک، سست و قابل انعطاف می‌باشند. نام علمی درخت بید سفید، *Salix alba* که به معنای نزدیک به آب اقتباس شده و مرتبط با رویش گونه‌های مختلف آن در کنار آب‌های روان می‌باشد. از چوب این درختان که بسیار سبک هستند و دارای وزن مخصوص پایینی می‌باشند، در تهیه و تولید سازه‌های سبک (ساخت سقف خانه‌ها)، کاغذسازی، کبریت‌سازی و جعبه‌سازی استفاده می‌شود (www.sadva.ir). صندل سفید که با نام انگلیسی *Santalum album* متعلق به کشور هند می‌باشد، گیاهی است از خانواده *Santalaceae*، درختچه صندل کوچک است. صندل سفید دارای اسانس معطر (ترکیبی از بوهای گل سرخ، لیمو و مشک) و خیلی مطبوع است. از خواص دارویی این گیاه می‌توان به کاهش درد کمر و سردردهای ناشی از گرما و تقویت دید چشم اشاره کرد.
- www.boalii.ir
۴. calcio: کالچو در زبان ایتالیایی به معنای فوتبال است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۲). تاریخ چوگان در ایران و سرزمین های عربی. تهران: ماهی
- ابراهیم نژاد، رضا. (۱۳۹۲). گوی و چوگان در گستره تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران. تهران: کتابسرا
- ابن اسفندیار، بهالدین محمدبن حسن. (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: دنیای کتاب
- ابویی، رضا. (۱۳۷۷). "امکان سنجی احیا میدان نقش جهان با توجه به وضع موجود و گذشته تاریخی و طراحی فضای باز میدان". جلد دوم. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرمت و احیا بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.
- ایزدی، بهزاد و کوزه چیان، هاشم. (۱۳۸۶). "بازشناسی هویت فرهنگی اجتماعی ورزش چوگان". مجموعه مقالات تاریخنامه ورزش ایران زمین (۱). تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- بافقی، کمال الدین (وحشی). (۱۳۳۹). دیوان اشعار. ویراسته حسین نخعی. تهران: امیرکبیر
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۰). دایره المعارف هنر. چاپ یازدهم. تهران: فرهنگ معاصر
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه. ابوتراب نوری (نظم الدوله). تجدید نظر حمید شیرانی. چاپ دوم، اصفهان: کتابفروشی تایید
- جلالیان (جلالی)، عبدالحسین. (۱۳۷۹). شرح جلالی بر حافظ. جلد چهارم، تهران: یزدان
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۹۲). دیوان. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. قم: چاف
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل ابن علی نجار. (۱۳۳۸). دیوان اشعار. تصحیح و مقدمه ضیاء الدین سجادی. تهران: کتابفروشی زوار
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). سفرنامه پیترو ودلاواله قسمت مربوط به ایران. شجاع الدین شفا. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

- ریشار، فرانسیس. (۱۳۸۳). *جلوه‌های هنر پارسی (نسخه‌های ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ ه.ق. موجود در کتابخانه ملی فرانسه)*. عبدالمحمد روح بخشان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). *متن کامل سفرنامه*. اقبال یغمایی. جلد ۳. تهران: توس
- شرلی، آنتونی. (۱۳۷۸). *سفرنامه برادران شرلی*. آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: به دید
- عطارنیشابوری، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۹۰). *منطق الطیر*. چاپ سوم، قم: مبین اندیشه
- فاضلی، مهتاب و ریاضی، محمدرضا. (۱۳۸۹). *"تبیین ویژگی‌های مثنوی گوی و چوگان"*. نگره. شماره ۱۵.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). *دیوان کامل شاهنامه*. نسخه مسکو، چاپ اول، تهران: نشر دیوان
- فریر، رانلد دبلیو. (۱۳۸۴). *برگزیده و شرح سفرنامه شاردن*. حسین هژبریان و حسن اسدی. تهران: فرزاد روز
- فلکی شروانی، نجم الدین محمد. (۱۳۴۵). *دیوان اشعار*. تصحیح و تحشیه طاهری. تهران: کتابخانه ابن سینا
- قاسمی گنابادی، محمدقاسم. (۱۳۸۷). *شاه اسماعیل نامه*. مصحح جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- قوامی رازی، بدرالدین. (۱۳۳۴). *دیوان اشعار*. تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث). تهران: چاپخانه سپهر
- کاردگر بالادهی، نرگس. *"شناخت علمی گونه درختی بید در روستای بالاده ساری"*.
- کالینگوود، رایین جورج. (۱۳۸۵). *مفهوم کلی تاریخ*. علی اکبر مهدیان. تهران: اختران
- کرمی چمه، یوسف. (۱۳۹۱). *"نمود چوگان در غزلیات حافظ"*. پیام بهارستان. سال ۴. شماره ۱۵.
- متحدین، ژاله. (۱۳۷۶). *"چوگان در تاریخ ابن بی بی"*. نامه فرهنگستان. شماره ۱۲.
- متینی، جلال. (۱۳۷۷). *"چوگان در کوش نامه"*. نامه فرهنگستان. شماره ۱۵.
- محتشم کاشانی، کمال الدین علی. (۱۳۹۱). *کلیات*. تصحیح مصطفی فیضی کاشانی. جلد یک. چاپ دوم، تهران: سوره مهر

- محمدی، برات و فاضلی، مجید. (۱۳۸۶). "بلندآوازی ایرانیان در چوگان بازی". مجموعه مقالات تاریخنامه ورزش ایران زمین(۱). تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- محمودی شهر بابکی، مرجان. (۱۳۹۱). "ریشه های ظهور و روند تکامل ورزش چوگان در ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر
- نظامی گنجوی، الیاس ابن یوسف. (۱۳۴۴). کلیات خمسه. تهران: امیرکبیر
- وحید قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). عباس نامه. به کوشش ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داودی
- Amundson, Michael. A. (2009). "These men play Real Polo: an elite sport in the cowboy state 1890-1930". Montana the magazine of western history - spring .
- Azarnouche, Samra. (2013). **Husraw ī Kawādān ud Rēdag-ē , Khosrow fils de Kawād et un Page**. Association pour L' Avancement des Études Iraniennes: Paris
- Chehabi, Houchang Esfandiar & Guttmann, Allen. (2002). "From Iran to all of Asia: The origin and diffusion of polo". International Journal of the History of Sport. vol, 19. No, 2-3.
- Diem . carl. (1942). **Asiatische Reiterspiele**. Berlin
- Ferdowsi, Abolqasem. (2009). **Fathers and Sons. Stories from the Shahnameh of Ferdowsi**. translated from the Original Persian by Dick Davis. Volume II. Washington D.C: Mage publishers
- Uluc, Lale. (2006). **Turkman governors shiraz artisans and ottoman collectors** .16 th century shiraz manuscripts. Kültür Yayinlari : Türkiye Bankasi
- [www.ganjoor.net\(1392/01/22\)](http://www.ganjoor.net(1392/01/22)) جستجوی اشعار
- [www.joh.cam.ac.uk / library / special- collection \(1392/06/12\)](http://www.joh.cam.ac.uk / library / special- collection (1392/06/12)) جستجوی تصویر

A Study on Evolution of Polo Stick in the Safavid and Seljuk Miniatures and Manuscripts

Fatemeh Gholami Houjaghan

Master degree in Handicrafts, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Seyed Saeed Seyed Ahmadi Zavieh

Ph.D., Associate Professor in Art Research Department, Art University of Tehran, Tehran, Iran

Azartash Azarnoush

Ph.D., Full Professor, Arabic literature Department, Tehran University, Tehran, Iran

Received: 1 May 2016

Accepted: 20 Oct. 2016

The Polo is an ancient game and sport belonging to Iran and despite its long history, there is only little written and recorded information about its principles, rules, equipment and clothes. Based on this question that how to be changed the polo stick in the Safavid and Seljuk miniatures and what is the basis of these evolutions, this paper has gathered the previous related research works using the library, documental and internet resources and in the next stage, it has selected the case studies gathering the old texts and illustrated pages related to the polo game and refining them in terms of the validity of documents and containing the date. Finally, after collecting data, the differences and similarities between them have been analyzed. According to the results of this research, based on the findings of the Safavid and Seljuk poets that have been studied, 456 cases of "čawgān", 30 cases of "sawljān" and 3 cases of "tabtāb" (Polo without horses) found and based on the finding of the Safavid and Seljuk miniatures that have been studied, four forms of polo mallet has been similar to curved cane= "J", "L", curved "T", "V" form (with an open angle) found. Finally, it seems that In the Safavid era compared with the Seljuk era, there is an evolution in the quality of polo stick in the passage of time, based on the relationship with the west and developments of science and technology. Based on this research in terms of purpose is functional and in terms of method is descriptive-analytical using the library technique has been carried out.

Key Words: Polo Stick, Miniatures Containing Polo (Motives), Safavid and Seljuk Manuscripts Containing Polo (word)